

مقالات (۱۵)



مرکز مطالعات متین

MatinStudies.com

دستاورد از دیدگاه وحی

امجاد عوده | ترجمه: شهاب الدین امیرزاده شمس



دستاورد از دیدگاه وحی |

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دستاورد از دیدگاه وحی

بسم الله الرحمن الرحيم، والصلاة والسلام على خير المرسلين محمد صلى الله عليه وسلم.

بیشترین وسوسه‌هایی که در دل انسان خُطور می‌کند، مربوط به انتظار او برای مشاهدهٔ دستاورد و شتاب وی برای دریافت پاداش در این دنیا و نه در آخرت است.

این امر در مورد کارهای دنیوی و اُخروی یکسان است؛ چند بار نفست به تو مانند این را گفته که: من چنین کردم، تمام سعیم را کردم، اما حاصلی نداشت و به آنچه برایش تلاش کرده بودم، نرسیدم!

دستاورد از دیدگاه وحی |

زمانی که این امر در دین باشد برای انسان سخت‌تر بوده و دروازهٔ عقب‌گرد را بر انسان می‌گشاید. چه بسیار انسان‌هایی که با شور و اشتیاق در راه دین قدم نهاده و امید، پیش‌برندهٔ آنها بوده اما همین‌که ناامیدی بر قلب آنها مسلط می‌شود به عقب بازگشته یا ناخرسند می‌شوند.

به سبب فراوانی مصیبت‌ها و مشکلات در سرزمین‌های اسلامی، اعم از بلایای طبیعی، اشغال، فساد و ظلم، برای برخی این پرسش ایجاد می‌شود که: چرا تا کنون پیروز نشده‌ایم؟ ما که تلاش می‌کنیم و شبانه روز دعا می‌کنیم پس چرا استجاب نمی‌شود؟ اما پرسش بدتر این است که: در تمام اینها، خدا کجاست؟

همهٔ اینها به سبب مشتبه شدن مفهوم دنیا و حکمت الله و معنای نتیجه و انواع آن نزد شخص است.

دست‌آورد از دیدگاه وحی |

این گفتار، برای این است که با هم بندیشیم و کلام الله سبحانه و پیامبرش صلی الله علیه وسلم را درک کنیم تا فهمان درست شده و این وسوسه‌ها را به کناری اندازیم؛ برای اینکه عمل کنیم و مأیوس نشویم!

عمل، شرط دست‌آورد است، اما دست‌آورد، شرط عمل نیست.

این قاعده را از نصوص شرع استنباط کرده‌ایم. الله متعال ما را به گرفتن اسباب فرمان داده، و اینکه وضعیت هیچ مردمی را تغییر نمی‌دهد مگر اینکه خودشان وضعیتشان را تغییر دهند. پیامبرمان صلی الله علیه وسلم در هجرت و غزوات و دیگر موارد زندگی، بهترین اسوه در استفاده از اسباب بود.

بنابراین، اگر بنشینیم و منتظر بمانیم تا دنیا تغییر کند، نتیجه‌ای به دست نمی‌آوریم. اما عمل، شرط رسیدن به نتیجه [دنیوی] نیست.

اسلام می‌گوید که شخص مسلمان بنا بر سعی و تلاشش و نه نتیجه، محاسبه می‌شود.

دست‌آورد از دیدگاه وحی |

در سورهٔ نجم، الله متعال می‌فرماید: **وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ (۳۹) وَأَنَّ**

سَعْيُهُ سَوْفَ يُرَىٰ (۴۰) ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَىٰ؛ [النجم: ۳۹-۴۱] (و اینکه انسان

فقط ثمرهٔ تلاش [و نیت] خود را خواهد داشت. و اینکه بی‌گمان، تلاش او [در

محاسبهٔ اعمالش در روز قیامت،] منظور خواهد شد؛ آنگاه پاداشش را به

تمامی خواهند داد).

از سوی دیگر، اگر نتیجه، پاداش کار بود، پیامبران و صحابه نسبت به آن

سزاوارتر بودند. از پیامبر علیه الصلاة والسلام روایت شده که فرمود: «امت‌ها

بر من عرضه شدند، پیامبری را دیدم که همراه او گروهی اندک بودند، و

پیامبری را دیدم که با او یک یا دو مرد بود، و پیامبری که هیچ‌کسی با او نبود».

[صحیح مسلم: ۲۲۰]

همچنین الله متعال به ما خبر داده که بنی‌اسرائیل، پیامبرانشان را

می‌کشتند، و الله متعال به پیامبرش صلی الله علیه وسلم فرمود که

وظیفه‌ای جز رساندن پیام ندارد: **فَإِنْ أَعْرَضُوا فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا ۗ**

إِنْ عَلَيْكَ إِلَّا الْبَلَاغُ؛ [الشوری: ۴۸] (ای پیامبر! اگر [مشرکان از دعوت تو] روی

دست‌آورد از دیدگاه وحی |

می‌گردانند، [توفیق را از خود سلب می‌کنند] ما تو را نگهبان آنان نفرستادیم و تو وظیفه‌ای جز رساندن [وحی] نداری).

و می‌فرماید: **﴿مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ﴾** [المائدة: ۹۹] (پیامبر وظیفه‌ای جز رساندن [وحی] ندارد).

چه بسیارند اصحابی که پیش از به قدرت رسیدن اسلام از دنیا رفتند... نخستین شهید در اسلام، سمیه بنت خیاط رضی الله عنها بود، بسیاری در غزوة احد به شهادت رسیدند، از جمله مصعب بن عمیر و حمزة بن عبدالمطلب رضی الله عنهم.

خباب رضی الله عنه می‌گوید: «با رسول خدا صلی الله علیه وسلم هجرت کردیم و تنها رضایت الله را می‌خواستیم و پاداش ما بر الله واجب گشت، گروهی از ما رفتند (وفات یافتند) و از ثمره کارشان چیزی نخوردند، یکی از آنها مصعب بن عمیر بود...» [صحیح مسلم: ۹۴۰]

حتی زمانی که الله متعال در سورهٔ کُفَّه جهاد را ذکر نمود، بیان فرمود که نتیجهٔ دنیوی چیزی است که انسان‌ها آن را دوست دارند اما اصل و اساس نیست.

در این آیه بیندیش: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِّنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ (۱۰) تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۱۱) يَغْفِرَ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلِكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۱۲) وَأُخْرَىٰ تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ** {الصف:

۱۰-۱۳} ای کسانی که ایمان آورده‌اید، آیا [می‌خواهید] شما را به تجارتی راهنمایی کنم که شما را از عذاب دردناک نجات دهد؟ به الله و پیامبرش ایمان بیاورید و با اموال و جان‌هایتان در راه الله جهاد کنید. اگر بدانید، این [کار] برای شما بهتر است. [اگر چنین کردید،] الله [گناهانتان را می‌بخشد و شما را در باغ‌هایی [از بهشت] وارد می‌کند که جویبارها از زیر [درختان] آن جاری است و در خانه‌های پاکیزه در بهشت جاویدان [جای می‌دهد]. این کامیابی بزرگی

دست‌آورد از دیدگاه وحی |

است. و [نعمت] دیگری که آن را دوست دارید [نیز به شما عنایت می‌فرماید که آن،] یاری از سوی الله و پیروزیِ نزدیک است؛ و مؤمنان را [به این پیروزی] بشارت ده).

اسلام حتی در دورانی که امکان مشاهده دست‌آورد نیست، ما را به عمل تشویق نموده است. رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرموده است: «اگر قیامت در حال برپا شدن بود و در دست یکی از شما نهال درخت خرما بود، اگر توانست تا پیش از برپایی قیامت آن را بکارد، پس آن را بکارد». [السلسلة الصحیحه: ۹]

بلکه اسلام می‌گوید که عمل در ذات خودش عبادت و مطلوب است حتی اگر نتیجه دنیوی نداشته باشد.

ده‌ها نص، آنچه را ذکر کردیم تأیید می‌کند، چرا که الله متعال بیان نموده که این دنیا سرای آزمایش است، تا ببینیم کدامیک از ما عملش نیکوتر است: **{الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَفُورُ}**

[الملک: ۲] ((همان) ذاتی که مرگ و زندگی را آفرید، تا شما را بیازماید که کدام یک از شما نیکوکارتر است؛ و او پیروزمندِ بخشنده است).

عمل، همچنین حجتی برای توست زیرا پرسیده خواهی شد که چه انجام داده‌ای؟ همانگونه که در داستان اصحاب سبت آمده: **وَاذْ قَالَتْ اُمَّةٌ مِّنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا اللّٰهُ مُهْلِكُهُمْ اَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيْدًا قَالُوا مَعْذِرَةٌ اِلٰى رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُوْنَ** [الأعراف: ۱۶۴] (و [یاد کن از] هنگامی که گروهی از آنان [به گروه دیگر] گفتند: چرا قومی را پند می‌دهید [که سرانجام،] الله آنان را هلاک خواهد کرد یا به عذابی شدید گرفتار خواهد نمود؟ [ناصحان] گفتند: این [پند و نهی، در حکم] معذرتی به درگاه پروردگار شماست و باشد که پروا کنند).

الله متعال بیان نموده که منع و عطا، هر دو آزمایش است؛ در سوره فجر، انسانی را ذکر می‌فرماید که گمان می‌کند منع شدنش نشانه خوارگی و خشم الله بر اوست و گمان می‌کند که عطا و گشایش روزی، دلیلی بر محبوبیت او نزد الله متعال و گرامی بودنش است؛ اما الله هر دو را نفی نموده و تأکید می‌فرماید که هر دوی این وضعیت‌ها آزمایش و امتحان است.

دست‌آورد از دیدگاه وحی |

{فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ (۱۵) وَأَمَّا إِذَا مَا

ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ (۱۶) كَلَّا} [الفجر: ۱۵-۱۷] (و اما انسان

هنگامی که پروردگارش او را بیازماید و گرامی دارد و به او نعمت بخشد، [مغرور می‌گردد و گمان می‌کند که این امر به خاطر کرامتی است که نزد الله دارد]، پس می‌گوید: پروردگرم مرا گرامی داشته است؛ و اما هنگامی که او را بیازماید و روزی‌اش را بر او تنگ سازد، [دلسرد شده و گمان می‌کند که این امر بدان سبب است که نزد الله، خوار و ذلیل است؛] پس می‌گوید: پروردگرم مرا خوار کرده است. هرگز چنین نیست).

شرح این موضوع بر زبان سلیمان علیه السلام آمده است: {قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ

رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي

عَنِّي كَرِيمٌ} [النمل: ۴۰] (گفت: این از فضل پروردگار من است تا مرا بیازماید که

آیا سپاس می‌گزارم یا ناسپاسی می‌کنم؛ پس هر کس سپاس گزارد، تنها به

سود خویش سپاس می‌گزارد و هر کس ناسپاسی کند، [به زیان خود

ناسپاسی کرده است؛ چرا که] بی‌تردید، پروردگرم بی‌نیاز کریم است).

دست‌آورد از دیدگاه وحی |

حتی دست‌آورد دنیوی، خودش آزمایش است و نه پایان آزمایش! زیرا الله به ما مکت می‌دهد تا ببینیم چه می‌کنیم! الله سبحانه و تعالی می‌فرماید: **{الَّذِينَ**
إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ
الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ} [الحج: ۴۱] ((همان) کسانی که هر گاه در زمین به آنان قدرت [و حکومت] ببخشیم، نماز برپا می‌دارند و زکات می‌پردازند و [مردم را] به نیکی فرمان می‌دهند و از کارهای ناپسند بازمی‌دارند؛ و سرانجام کارها از آن الله است.)

الله متعال ما را از کسانی که کارهایشان را برای گرفتن نتیجه در این دنیا انجام می‌دهند، آگاه ساخته و می‌فرماید: **{وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ**
ذَٰلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ} [الحج: ۱۱] (و از [میان] مردم کسی هست که الله را با تردید عبادت می‌کند [و ایمانش ضعیف است]؛ پس اگر خیری به او برسد، [دلش] به آن آرام می‌گیرد [و بر ایمانش باقی می‌ماند] و اگر بلایی [برای آزمایش] به او برسد، روی می‌گرداند [و به کفر بازمی‌گردد]. او در دنیا و آخرت

زیان کرده است. این همان زیان آشکار است). پناه بر الله! این شخص به خاطر
گمراهی فکری که دارد نه در نیا سود می‌کند و نه در آخرت!

همچنین تفاوت میان ایمان راستین و آنکه در دلش نفاق آمده را بیان نموده

است: **﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةَ النَّاسِ**

كَعَذَابِ اللَّهِ وَلَئِنْ جَاءَ نَصْرٌ مِّن رَّبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ أَوْلَىٰ ۗ لَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا

فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ ﴿١٠﴾ وَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْمُنَافِقِينَ﴾

[العنکبوت: ۱۰-۱۱] (و برخی از مردم هستند که می‌گویند: به الله ایمان آورده‌ایم؛

اما هنگامی که در [راه] الله آزار می‌بینند، آزار مردم را همچون عذاب الله

[سخت و جانکاه] می‌دانند [و از ایمانشان دست می‌کشند]؛ و اگر از سوی

پروردگارت پیروزی [و گشایشی برایتان] پیش آید، می‌گویند: بی‌تردید، ما [نیز]

با شما همراه بودیم. آیا الله به آنچه در دل‌های جهانیان است داناتر نیست؟

و به راستی، الله کسانی را که ایمان آورده‌اند به خوبی می‌شناسد و یقیناً

منافقان را [نیز] می‌شناسد).

دست‌آورد از دیدگاه وحی |

کار برای دین الله با دیگر اعمال متفاوت است، زیرا به سبب سنت تمییز (متمایز شدن) و پاک‌سازی، و بالابردن درجات، امتحان آن دشوارتر است. الله

متعال می‌فرماید: **﴿أَحْسِبِ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾ (۲)**

وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ؛

[العنکبوت: ۲-۳] (آیا مردم پنداشته‌اند همین که [به زبان] بگویند: «ایمان

آوردیم»، آنان را [به حال خود] وامی‌گذارند و آزموده نمی‌شوند؟ و به راستی

کسانی را که پیش از آنان بودند نیز آزمودیم و تا الله حتما کسانی را که [درباره

ایمانشان] راست گفته‌اند جدا سازد و دروغگویان را [نیز] معلوم گرداند).

در همین سوره آمده است: **﴿وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ**

الْعَالَمِينَ﴾ [العنکبوت: ۶] (و هر کس [در راه حق] بکوشد، به سود خویش

کوشیده است. بی‌تردید، الله از جهانیان بی‌نیاز است).

و در آخر این سوره وعده‌ای است که خلاف آن صورت نمی‌پذیرد: **﴿وَالَّذِينَ**

جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾ [العنکبوت: ۶۹]

(کسانی که در راه [خشنودی] ما می‌کوشند، قطعاً آنان را به راه‌های خویش هدایت می‌کنیم و بی‌تردید، الله با نیکوکاران است).

تصحیح معنای دست‌آورد:

درست است که اندکی قبل گفتیم دست‌آورد افعی، دست‌آورد اخروی است، اما این، با حصول نتیجه در دنیا منافاتی ندارد؛ بلکه مشکل، منحصر کردن دست‌آوردهای دنیوی در یک شکل و صورت است. این در حالی است که دست‌آورد و ثمره، مانند میوه‌ای است که رنگ‌های مختلفی دارد که در ادامه به معنا و مفهوم این دست‌آوردها خواهیم پرداخت.

نخست: دست‌آورد اساسی، رسیدن به بهشت و نجات از آتش است. الله متعال فرموده: **كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أَجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ** {آل عمران: ۱۸۵} (هر جاننداری چشنده [طعم] مرگ است و یقیناً روز قیامت پاداش‌هایتان را به

دست‌آورد از دیدگاه وحی |

صورت کامل دریافت خواهید کرد؛ پس هر که را از آتش دور دارند و در بهشت درآورند، قطعاً رستگار شده است؛ و زندگی دنیا چیزی جز مایه فریب نیست).

این همان چیزی است که باید به خوبی فهمیده و به درستی آن را درک کنیم.

آیاتی که چنین مفهومی داشته باشند، بسیارند. آنچه نظرم را به خود جلب

کرد، مقدم کردن قتل بر غلبه و چیرگی در این آیه است و گویی اشاره واضح بر

این امر است که مرگ در راه الله خودش دست‌آورد است: **فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ**

اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ

يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا {النساء: ۷۴} (پس کسانی که زندگی دنیا را به

آخرت فروخته‌اند، باید در راه الله پیکار کنند؛ و به هر کسی که در راه الله پیکار

کند. خواه کشته شود یا پیروز گردد. پاداش بزرگی خواهیم داد).

در داستان اصحاب اخدود نیز پنجهایی نهفته است. جوان ساحری که در

دوران پادشاه ستمگر ایمان آورد، در پایان به قتل رسید و پس از کشته شدن

دست‌آورد از دیدگاه وحی |

او تعداد فراوانی ایمان آوردند. پس نخست اینکه دست‌آورد تلاش‌های او، بعد از مرگش بود، زیرا مرگ او سبب ایمان آوردن آنها شد.

دوم اینکه الله متعال در سورهٔ بروج بیان نموده که آن ستمگر خندق‌هایی را حفر کرده و در آن آتش افروخت؛ سپس مؤمنان را در آن انداخته و سوزاند، مگر آنهایی که از ایمانشان باز می‌گشتند. عجیب اینجاست که الله متعال پس از بیان این داستان، مجازاتی دنیوی را برای آن ستمگرانی که مؤمنان و کودکانشان را سوزاندند، بیان نفرمود، بلکه تنها عذاب آخرت را ذکر نمود: **إِنَّ** **الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ عَذَابٌ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابٌ** **الْحَرِيقِ** {البروج: ۱۰} (به راستی کسانی که مردان و زنان مؤمن را شکنجه [و آزار] دادند و پس [از انجام آن کار] توبه نکردند، عذاب جهنم برایشان [مهیا] است و عذاب آتش [در پیش دارند]).

پس از تمام اینها بیان نمود که پیروزی بزرگ برای کسی است که ایمان آورده و به بهشت وارد شود: **إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ** **تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ** {البروج: ۱۱} (همانا برای کسانی که ایمان آوردند

و کارهای شایسته کردند، باغ‌هایی [از بهشت] است که جویبارها زیر [درختان] آن جاری است؛ و این است کامیابی بزرگ).

در این آیات بنگر و اندیشه کن: **وَجَاءَ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ (۲۰) اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُهْتَدُونَ (۲۱) وَمَا لِي لَا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۲۲) أَأَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ آلِهَةً إِنْ يُرِدْنِ الرَّحْمَنُ بِضُرٍّ لَا تُغْنِ عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا وَلَا يُنْقِذُونِ (۲۳) إِنْ إِيَّائِي إِذَا لَفِيَ ضَلَالٍ مُبِينٍ (۲۴) إِنْ إِيَّائِي آمَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ فَاسْمَعُونِ (۲۵) قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ (۲۶) بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ** {یس: ۲۷-۲۰} (و مردی از دورترین نقطه شهر شتابان آمد [و] گفت: ای قوم من، از این پیامبران پیروی کنید. پیرو کسانی باشید که از شما پاداشی نمی‌خواهند و خود هدایت‌یافته‌اند. و چرا معبودی را عبادت نکنم که مرا آفریده است و [شما نیز] به سویش بازگردانده می‌شوید؟ آیا به جای او معبودانی برگزینم که اگر [پروردگار] رحمان بخواهد گزندى به من برساند، نه شفاعتشان برایم سودی دارد و نه می‌توانند مرا [از عذاب الهی] نجات دهند؟ در آن صورت، یقیناً در گمراهی آشکاری خواهم بود.

دست‌آورد از دیدگاه وحی |

من به پروردگارتان ایمان آورده‌ام [و از مرگ هراسی ندارم؛] پس سخنانم را بشنوید. [پس از اینکه آن مرد به دست قومش به شهادت رسید،] به وی گفته شد: وارد بهشت شو. او گفت: ای کاش قوم من می‌دانستند که پروردگارم مرا آمرزیده و گرامی داشته است).

مرگ او در این آیه ذکر نشده؛ اما در تفاسیر آمده است که او کشته شد. با این حال قرآن بر دست‌آورد بزرگ او یعنی ورود به بهشت و آمرزیده شدن، تأکید کرده است.

از جمله مهمترین دست‌آوردهای دنیوی، دست‌آوردهای ناملموس است؛ مانند اینکه الله تو را به کار گیرد، هدایت و پایداری برحق، آمرزش گناهان، انداختن محبت تو در دل بندگان، آسان نمودن کارها، توفیق و معیت الله و امور دیگری که فراوانند.

در سوره محمد، پس از آنکه الله متعال حکمت از دفع برخی از مردم با برخی دیگر را بیان نمود، مجاهدان را ذکر نموده و سپس به آنها وعده هدایت اصلاح وضعیت‌شان را می‌دهد:

{ذَلِكَ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانْتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَكِنْ لِيَبْلُوَ بَعْضَكُمْ بِبَعْضٍ وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ (۴) سَيَهْدِيهِمْ وَيُصْلِحُ بَالَهُمْ (۵) وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَفَهَا لَهُمْ (۶) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ}

[محمد: ۷-۴] (این [حکم الهی] است؛ و اگر الله می‌خواست، خود از آنان انتقام می‌گرفت؛ ولی [فرمان جنگ داد] تا شما را در برابر یکدیگر آزمایش کند؛ و کسانی که در راه الله کشته شدند، [الله هرگز] نتیجه تلاششان را تباه نمی‌کند. الله آنان را [به راه راست] هدایت خواهد کرد و امورشان را سامان خواهد بخشید؛ و آنان را به بهشتی که [اوصافش را] برایشان بیان کرده است وارد خواهد نمود. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر [دین و پیامبر] الله را یاری کنید، او نیز شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را [ثابت و] استوار می‌دارد).

دست‌آورد از دیدگاه وحی |

در سوره فتح نیز الله متعال با «فتح» بر پیامبرش منت نهاده سپس علت آن را
آمزش و پس از آن پیروزی معرفی می‌نماید!

{إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا (۱) لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ

نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا (۲) وَيَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيمًا} [الفتح: ۳-]

[۱] (ای پیامبر،) به راستی که ما پیروزی آشکاری را برایت مقدر کردیم. تا الله
گناه گذشته و آینده‌ات را بیامزد و نعمتش را بر تو تمام گرداند و تو را به راه
راست هدایت نماید؛ و الله به پیروزی شکست‌ناپذیری یاری‌ات کند).

و درباره محبت می‌فرماید: {إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ

الرَّحْمَنُ وُدًّا} [مریم: ۹۶] (کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته

کرده‌اند یقیناً [الله] رحمان [در دل‌های بندگانش] محبتی برایشان خواهد

نهاد)

دست‌آورد از دیدگاه وحی |

به الله سوگند که این دستاوردها بیش از آنچه چیزی است که بتوانیم بیان کنیم بنابراین همواره این معانی را به یاد داشته باش و اجازه نده که چشمانت تنها در دایرهٔ مادیات دور بزند.

تأخیر دست‌آورد:

الله متعال مؤمنان را وعده داده که حتما پیروز خواهند شد و او بر امرش چیره است، اما اشتباه این است که گمان کنی تنها به این نوع پیروزی وعده داده شده‌ای. چه بسا آن را ببینی و چه بسا نبینی، زیرا پیروزی دین الله حتمی است، اما چه بسا پیروزی تو در چیزهایی باشد که پیش از این ذکر شد، پس، پیروزی را تنها به پیروزی دین محدود نکن.

آن هنگام که الله متعال ظلم فرعون و فساد او در زمین را بیان نمود، ارادهٔ خویش برای منت نهادن بر ستم‌دیدگان و دادن قدرت به آنها را ذکر فرمود.

﴿إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِّنْهُمْ يُدَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ

اسْتَضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجَعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَنُفَعِّلُهُمْ فِي الْأَرْضِ
وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ { [القصص: ۵-۴]

(بی‌تردید، فرعون در سرزمین [مصر] برتری‌خواهی کرد و مردمش را به گروه‌هایی تقسیم نمود؛ گروهی از آنان را به ناتوانی [و خواری] می‌کشاند [چنان که] پسرانشان را می‌کشت و زنانشان را [برای کنیزی] زنده نگه می‌داشت. به راستی که او از تبهاران بود. و می‌خواستیم بر بنی‌اسرائیل، که در آن سرزمین به ناتوانی کشیده شده بودند، [با نابود کردن دشمنانشان] منت بگذاریم و آنان را پیشوایان [مردم] قرار دهیم و [پس از نابودی فرعون] وارثان [سرزمین شام] نماییم).

اما چه شد؟ آیا فوراً به قدرت رسیدند؟ آیا صاعقه‌ای از آسمان فرود آمده و تاریکی را نابود کرد؟ هرگز! بلکه موسی متولد شد! و الله او را تحت نظر خود پرورش داد تا اینکه به کمال رشدی رسید و الله او را سوی فرعون فرستاد.

بسیاری از کودکان و جوانان کشته شده و مورد ظلم و ستم قرار گرفتند و تمکین را ندیدند، اما آنهایی که بعد آمدند وارثان زمین شدند. حکمت و علم الله چنین است.

برخی از حکمت‌ها در ابتدا پنهان است، مانند صلح حدیبیه که آن را به صورت مختصر نقل می‌کنم اما فراموش نکن که این حدیث را کامل بخوانی.

مسلمانان به قصد عمره حرکت کرده بودند، اما قریش مانع آنها شد و بر شروطی عهد بستند که شخص ممکن است گمان کند سبب خواری و ذلت برای اسلام است. سخت‌ترین آنها این بود که ابو جندل رضی الله عنه درحالی که در زنجیر بود، نزد آنها آمده و می‌خواست آزاد شود، اما پیامبر صلی الله علیه وسلم چنین اجازه‌ای به او نداده و او را نزد مشرکان رها نمود. مسلمانان به لرزه افتاده و سخت اندوهگین شدند، تا جایی که عمر رضی الله عنه نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم رفته و از او پرسید: «مگر پیامبر برحق الله نیستی؟» فرمود: بله. گفت: مگر ما برحق و دشمنان بر باطل نیست؟ فرمود: بله. گفت: پس چرا باید در دینمان خواری بپذیریم؟ فرمود: من فرستاده‌ی الله هستم و او

دست‌آورد از دیدگاه وحی |

را سرپیچی نمی‌کنم و او مرا نصرت می‌دهد. گفت: مگر به ما نگفته بودی که به خانه خدا آمده و گرد آن طواف می‌کنیم؟ فرمود: بله. آیا گفته بودم که امسال می‌آییم؟ گفت: نه. فرمود: پس تو خواهی آمد و گرد آن طواف خواهی کرد». [نگا: صحیح بخاری: ۲۷۳۱]

او نزد ابوبکر رضی الله عنه رفته و همان سؤال را پرسید و ابوبکر رضی الله عنه نیز همان پاسخی را که رسول خدا صلی الله علیه وسلم داده بود را بیان نمود. صحنه‌ای بود که دل‌های صحابه در آن لرزید و خشم خود را فرو خوردند، اما می‌دانی که الله متعال آن را فتح نامید؟ بیعت رضوان همان فتحی بود که زمینه‌ساز فتح مکه شد.

براء بن عازب رضی الله عنه می‌گوید: «شما فتح مکه را فتح، می‌دانید، فتح مکه قطعاً فتح بود ولی ما بیعت رضوان که در روز حدیبیه بود را فتح به شمار می‌آوردیم». [صحیح بخاری: ۴۱۵۰]

و همین شروط، سببی برای شکسته شدن پیمان شد و مکه دو سال پس از آن فتح شد!

اندکی بذل و بخشش کرد و سپس دست کشید...

اما شخصی که مثلاً اندکی بخشش کرده و سپس دست می‌کشد بر عکس چیزی است که ذکر کردیم: **{أَفَرَأَيْتَ الَّذِي تَوَلَّى (۳۳) وَأَعْطَى قَلِيلًا وَأَكْدَى؛}** [النجم: ۳۴-۳۳] (آیا آن کسی را که [از حق] روی برتافت دیده‌ای؟ و اندکی انفاق کرد و [سپس] خودداری نمود).

اهل لغت گفته‌اند که «الکدی» این است که شخص زمین را حفر کند اما در برابرش صخره‌ای (کدیة) ظاهر شود در نتیجه دست از کندن برداشته و منصرف شود.

الله متعال کسی که اندکی بخشش کرده و سپس دست می‌کشد را ملامت نموده است! و آیاتی که در ابتدا ذکر کردیم بیانگر این است که اسلام به تلاش

و کوشش تشویق می‌نماید حتی به کاشت نهال درخت خرما در هنگام برپایی قیامت.

گروهی تلاش کرده و شکیبایی کردند و دست‌آورد زودهنگام این دنیا به آنها عطا شد. ستمدیدگان بنی‌اسرائیل با پیامبرشان سخن گفته و اینگونه پاسخ شنیدند: **قَالُوا أُوذِينَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِيَنَا وَمِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا قَالَ عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عَدُوَّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ** {الأعراف: ۱۲۹} (بنی‌اسرائیل) گفتند: پیش از آنکه نزد ما بیایی و [حتی] پس از آنکه نزد ما آمدی، [از ستم‌های فرعون] آزار و اذیت دیده‌ایم. [موسی] گفت: امید است که پروردگار شما دشمنان را هلاک کند و شما را در زمین جانشین [آنان] سازد؛ آنگاه بنگرد که چگونه رفتار می‌کنید).

الله آنها را پیروز کرد، اما امتحان‌شان ادامه یافت تا مشخص شود که چگونه رفتار خواهند کرد. ولی آنان در این امتحان مردود شدند و اولین چیزی که گفتند این بود: برای ما معبودانی قرار بده! سپس مرتکب گناهان پی‌درپی شدند.

{وَأَوْزَنَّا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضَعُونَ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ، وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَىٰ قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَىٰ أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَىٰ اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ} [الأعراف: ۱۳۷-۱۳۸] (و به آن گروهی که همواره مورد ستم واقع می‌شدند، [بخش‌های] شرقی و غربی سرزمین [شام] را - که به آن برکت بخشیده بودیم - به میراث عطا کردیم و به پاداش آنکه شکیبایی کردند، وعدهٔ نیکوی پروردگارت به بنی‌اسرائیل (یاری ستمدیدگان) تحقق یافت و آنچه را که فرعون و قومش می‌ساختند و برمی‌افراشتند [یکسره] ویران کردیم. و بنی‌اسرائیل را از دریا گذرانندیم و [در راه] به قومی رسیدند که همواره به [عبادت] بت‌هایشان می‌پرداختند؛ [در این هنگام بنی‌اسرائیل] گفتند: ای موسی، همان گونه که آنان معبودانی دارند، برای ما [نیز] معبودی تعیین کن. [موسی] گفت: بی‌تردید، شما گروهی هستید که جهالت [و نادانی] می‌کنید [و عظمتِ الله را نمی‌دانید].)

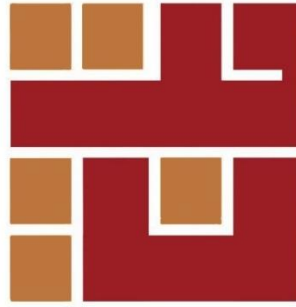
دستاورد از دیدگاه وحی |

بنابراین مانند کسی نباش که دست کشید و اجازه ندهد تا هدف دنیوی تو را از هدف اصلی که همان رضایت الله و ورود به بهشت است، بازدارد. اگر دستاورد و نتیجه را دیدی برای این است که الله بسیار سپاسگزار است و اگر آن را ندیدی به عقب برنگرد و به یاد آور که دهها دستاورد پنهان، تو را احاطه کرده است. پس تلاش کن و نتیجه تلاشت را خواهی دید، زیرا تو پروردگاری داری و از او چیزی را امید داری که آنها ندارند.

﴿إِنْ تَكُونُوا تَأْلُمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلُمُونَ كَمَا تَأْلُمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ

وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا {نساء: ۱۰۴} (و [ای مؤمنان،] در تعقیب آن گروه [دشمن] سستی نکنید. اگر شما [از خستگی و جراحت] رنج می‌برید، آنان نیز چنان که شما رنج می‌برید رنج برده‌اند؛ ولی شما از الله چیزی را امید دارید که آنان ندارند؛ و الله دانای حکیم است).

دستاورد از دیدگاه وحی |



مرکز مطالعات متین

www.MatinStudies.com

t.me/MatinStudies

facebook.com/MatinStudies

Instagram.com/Matinstudies

X.com/Matinstudies